

در آن سرزمین بودند در ظرف سه ماه از تاریخ مبادله عهدنامه بیرون بروند. بعلاوه اعلیحضرت موافقت کرد از هرگونه ادعائی بر شهرواراضی هرات و قسمتهای دیگر افغانستان صرف نظر کند و هیچوقت از سران هرات و ایالات افغانستان آثار فرمانبرداری مانند ضرب سکه یا خواندن خطبه^۱ یا باج مطالبه نکند.

ضمناً اعلیحضرت شاه ایران تعهد کرد که بعداً از هرگونه دخالتی در امور داخلی افغانستان خودداری کند و قول داد که استقلال هرات و سراسر افغانستان را بشناسد و هرگز در استقلال این کشور اخلاقی نکند و در صورتیکه اختلافاتی بین دولت ایران و سرزمین هرات و افغانستان پیش آید حکومت شاه آنرا با مساعی دوستانه دولت انگلیس حل نماید و تا نتیجه مساعی دوستانه مزبور معلوم نشده باشد اقدام جنگی نشود.

دولت انگلیس متقابلاً تعهد کرد که نفوذ خود را همواره در نزد امیر نشین های افغانستان بکاربرد که هر یک یا تمام آنها موجبات رنجشی برای دولت ایران فراهم نسازند. دولت انگلیس تعهد کرد که در صورت پیش آمد اشکال و مراجعه دولت ایران تمام مساعی مقدور را بمنظور حل اختلافات بوجهی که با حق و حیثیت ایران سازگار باشد معمول دارد.

در صورتیکه از طرف هر یک از امیر نشین های افغانستان تجاوزی بخلک ایران بشود دولت ایران حق خواهد داشت در صورت فقدان رضامندی به اقدامات جنگی برای سرکوب و مجازات متجاوزان پردازد

۱- خطبه اعلام اطاعت در ملاء عام نسبت به شاه بوسیله آنها گزاری در باره او در مساجد است.

ولی تصریح شد که هر نوع قوای نظامی شاه که برای چنین منظوری از سرگذشته باشد همینکه مقصود تأمین شود بداخله خاک ایران باز گردد و اجرای این حق نباید از ناحیه ایران موجب اشغال دائمی ویا الحاق هیچ شهر یا قسمتی از سرزمین افغانستان بشود .

راجع به برقراری و شناسایی کنسولها و محدودیت تجارتنی هریک از دو طرف متعاقد در خاک طرف دیگر از حقوق دولت کامله الوداد بهره‌مند گردد و مقرر شد که بعد از مبادله عهدنامه مزبور هیاتسیاسی انگلستان به تهران بازگردد و بعضی از مراسم بمنظور معذرت خواهی معمول شود و قرار شد صدراعظم بنام شاه نامه‌ای به آقای مری بنویسد و از انتشار دادن نسبت‌های ناروایی که منافی با حیثیت وزیر مختار انگلستان بوده اظهار ندامت کند و درخواست نماید که نامه خود او بعنوان وزیر مختار مسترد شود. دو نامه از طرف وزارت امور خارجه ایران فرستاده شد که یکی از آنها حاوی دستخط شاه راجع به بهتان نسبت به آقای مری بود .

یکی دیگر از مواد عهدنامه این بود که معاهده‌ایکه بین ایران و انگلستان در سال ۱۸۵۱ برای لغو تجارت بردگان در خلیج فارس بسته شده بود از ماه اوت ۱۸۶۲ بمدت ده سال تمدید شود . اینها مواد عهدنامه‌ای بود که در پاریس بین نمایندگان مختار انگلیس و ایران بامضا رسید. انگلستان نمیخواست است بوسیله جنگ غنائمی تحصیل کند بنابراین بشرطی برای امضای قرارداد صلح حاضر شد که استقلال افغانستان تأمین گردد و بمناسبت اهانتی که به نماینده ملکه انگلستان در دربار ایران شده بود معذرت مناسب معمول شود^۱.

۱- رجوع شود به متن عهدنامه صلح ایران و انگلوس در کتاب راهنمای مهرد و عهد نامه‌های تاریخی ایران تألیف این جانب صفحه ۳۲۱.

شرطهایی که از دولت ایران تقاضای انجام دادن آنها شده بود بقدری آسان و سبک بود که بدون هزینه سنگینی که تصرف بوشهر و محمره ایجاب کرده بود امکان آن در میان بود. شاید تسخیر و نگاهداری جزیره خارک و محاصره بوشهر برای رفع محاصره هرات از قوای شاه و الزام دربار ایران به مغذرت خواهی از رفتاری که قبل از قطع روابط در تهران شده بود کافی بوده است، چون تصرف محمره و شکست لشکر شاه در خوشاب هیچگونه تأثیری در مذاکرات صلح پاریس نداشته و بمحض تصرف بوشهر صدراعظم به فرخ خان دستور فرستاد که بهر نحوی امکان دارد قرارداد صلح را منعقد سازد. موفقیتی که در تاریخ ۸ فوریه نصیب واحدهای اعزامی انگلیس در خوشاب شد تا ۴ مارس در پاریس از آن خبری نداشتند و محمره مدتی بعد از امضای عهدنامه صلح سقوط کرد. صدراعظم در موقع شنیدن مواد عهدنامه که دبیری از پاریس همراه آورده بود وقتی که مکتبی پیش آمد پرسید مطلب پیمان رسیده است و چون با واطلاع دادند که مطلب دیگری نیست باحدت تمام گفت : « الحمدلله » چون کاملاً انتظار داشت که یکی از شروط عهدنامه مورد تأکید انگلستان درخواست انفصال او از صدارت باشد .

هرچند ایران در ید قدرت بریتانیا و ناگزیر بود هرگونه موادی را که باو پیشنهاد میکردند قبول کند دبیری نگذشت که دولت انگلیس از اینکه چیزی موجب تعویق امضای عهدنامه صلح نشده بوده خوشوقت گردید و همینکه مبادله اسناد مصوبه عهدنامه در بغداد انجام شد به سرجمز اوترام در آن شهر خبر رسید که فتنه‌هایی در هندوستان بوجود آمده، وی با عجله به بوشهر رفت و بمحض ورودش به آنجا ژنرال هاولوک با دو فوج نامدار « هنگ‌های ۶۴ و ۷۸ » بعزم هند راه دریا را پیش

گرفت و دیری نگذشت که جلو طغیان را در بنگال گرفت. هنگ دوم اروپایی بمبئی نیز عازم هندوستان شد و در مغرب آن سرزمین وجودش بهمان اندازه مورد لزوم بود که دوگردان دیگر در مشرق هند مورد احتیاج بودند. اسواران سوم سبک بمبئی هم از خدمت در ایران معاف شد و باگردان ۱۴ و گروهی از توپخانه بمبئی که قسمتی از نیروی اعزامی به ایران بودند در جنگ‌های بعدی هند نقش عمده‌ای ایفا کردند. در این موقع خدمت هر افسر و سرباز وفاداری در هند مورد نیاز بود و اگر جنگ ایران دوام یافته بود هند از خدمات افسرانی مانند سر جیمز اوترام، سر هنری هاولوک، سر جوج جاکوب کبیر، سر ادوارد لوگارد و دیگران که احتیاج فراوان بوجود آنها در میان بود محروم میگردید. تا ورود بسیار بموقع واحدهای انگلیسی از کرانه خلیج فارس شورشیان مدتی میدان مبارزه را بی مانع در دست داشتند و اگر قوای مزبور بموقع نمیرسیدند تعیین حدود و مدت شورش و طغیان امکان نداشت.

ژنرال جاکوب بفرماندهی قوای بومی هند در بوشهر باقی ماند و مقرر بود آنقدر در آنجا بماند تا دولت ایران برطبق شروط عهدنامه صلح رفتار کرده باشد. چنانکه گفته شد یکی از شرایط معاهده این بود که هرات مستقل شود و مقرر بود از آن پس شاهزاده‌ای افغانی در آنجا حکومت کند و انتخاب حاکم جدید برای دربار ایران حائز اهمیت بسیار شد. بموجب ماده هشت عهدنامه صلح دولت ایران تعهد کرده بود که بمحض مبادله امتداد مصوبه آن، تمام زندانیانی را که در مدت عملیات لشکر ایرانی در افغانستان دستگیر شده بودند بدون تنخواه و غرامت آزاد کند. در میان این اسیران محمد یوسف نواده کامران میرزای متوفی و ولیعهد هرات بود. محمد یوسف میرزا از هرات در مقابل لشکر

شاه ایران دفاع کرده بود. وی در بهار سال ۱۸۵۶ اسیر به تهران فرستاده شد و در حالی که طنابی برگردنش انداخته بودند او را بحضور شاه بردند و بعد از آنکه بمناسبت رویه سرکشی ویرا سرزنش بسیار کردند شاه او را بخشید و در داخله پایتخت آزاد کرد. ولی قصد دولت ایران آن نبود که این شاهزاده مستقل سدوزی را اجازه مراجعت به امارت خود بدهد و از اخطاری که بایشان شده بود استفاده نموده در مواد عهدنامه ای که در شرف انعقاد بود تکلیف محمدیوسف میرزا تعیین شد و او را کماکان در اختیار شاه قرار دادند .

در ۱۰ آوریل ۱۸۵۷ پیکی از پاریس به تهران رسید و گزارشهایی همراه آورد. در گزارشهای مزبور فرخ خان مواد عهدنامه ایرا که قرار بود امضا کند باستحضار دولت خود میرسانید و چون نسخه امضا شده عهدنامه بزودی در ظرف چند روز بدست میرسید، صدراعظم مجال زیاد برای تعیین سرنوشت محمدیوسف نداشت. والا حضرت نیک میدانست که شاهزاده افغانی در صورت بازیافتن حکومت خود آنرا مرهون تصمیمات دولت انگلیس احساس خواهد کرد، ازینرو درصدد برآمد فرمانروایی بر تخت هرات جادهد که مقام خود را مدیون خیرخواهی دولت ایران بداند. وی شخص متناسبی را برای این مقام بنام سلطان احمد خان بارو کزائی پیدا کرد که نواده و داماد دوست محمدخان بود .

شرایطی که مقرر بود سلطان احمدخان برطبق آنها از نفوذ و پول ایران برای استقرار خود برتخت و تاج هرات استمداد نماید از قرار ذیل بود :

وی به طیب خاطر بنام شاه سکه ضرب کند و دستور بدهد که بنام پادشاه ایران در مسجدهای هرات خطبه بخوانند. باین ترتیب

هرچند قوای ایرانی در سرزمین افغانستان نمی‌بودند و با آنکه بر طبق عهدنامه شاه تعهد کرده بود که از هرگونه ادعای حاکمیتی بر هرات صرف نظر کند سکه او همواره پول رایج آن امیر نشین میشد و هرافغانی که قدم به مسجد میگذاشت پی میبرد که فرمانروای مستقیم او پادشاه ایران را سرور خویش می‌شناسد. صدراعظم بواسطه سلب اختیار سلطان احمدخان ولی نه در اثر وفاداری او وسیله تضمینی برای انجام دادن مواد قرارداد از جانب او فراهم کرد. پس سلطان احمدخان بیدرنگ رهسپار شرق شد که هرچه زودتر هرات را از سلطان مراد میرزاتحویل بگیرد و بواسطه اشتیاق فراوان به اینکه شخصاً موضوع را بان سردار ابلاغ کند از این حقیقت غفلت ورزید که شاهزاده مزبور هنوز از مواد عهدنامه ای که در تهران امضا شده بود اطلاعی ندارد و بعلاوه ازین نکته غافل بود که فرمانده ایرانی و سربازانش تازه به چشیدن طعم مطلوب میوه فتحی که مدتها در انتظارش بودند کامیاب شده‌اند بعدی که فکر بازگشت بوطن را از یاد بردند. وی با عجله خود را به خیمه فرمانده ایران رسانید ولی باین سردار باروکزائی اطلاع دادند که حضرت‌والا خواب‌اند. وی نفرات را به کنار زد، آنها باز جلو اوراسد کردند، وی یکی از آنها را با خنجر خود مجروح ساخت. سروصدای این تصادم شاهزاده را از خواب بیدار کرد و چون از ماقع اطلاع یافت دستور داد مزاحم افغانی را که انتظار ورودش را نداشته تازیانه بزنند. ولی باین پیش‌درآمد ناگوار فرمانروایی، سلطان احمدخان روشی را که تعهد کرده بود حفظ کرد و هیچوقت در صدد عدول از شرطهایی که راجع به هرات قبول کرده بود برنیامد، بنام شاه سکه زد و خطبه معمولی بنام اعلیحضرت پادشاه ایران در مساجد آن شهر خواندند، مانند اینکه آن امیر نشین در

تصرف نیروی ایران می باشد و سلطان احمدخان به طیب خاطر خود را دست نشانده شاه وانمود کرد، تا وقتیکه در آن مقام وفات یافت. چیزی نمانده بود که پایتخت او بدست دشمنی که دیرزمانی با شهاست فراوان در مقابل آن از خود دفاع کرده بود بیفتد.

مرگ مدعی سدوزی حکومت هرات سهمگین تر و دوره زندگانیش عاری از درخشندگی بود. در ۱۱ آوریل ۱۸۵۷ که روز بعد از وصول طرح عهدنامه پیشنهادی پاریس بود محمدیوسفخان را دستگیر کردند و صدراعظم درصدد خونخواهی برآمد. وی با کشتن او بدوره رقابت خطرناک بین آن شاهزاده افغانی و حاکم جدید هرات خاتمه داد. کامران شاه نیز از وزیر خود یار محمدخان انتقام گرفت. منسوبان سید محمد بنوبه خود آماده بودند که محمدیوسف را از بین ببرند ولی ایشان تا وقتیکه او در تهران زیر حمایت شاه میزیسته جرات آن کار را نداشته اند اما برای خونخواهی از دشمن خونین پیوسته تحت فشار بودند تا موقعیکه یوسف تیره بخت را در جلو عمارت قصر قاجار به چاله ای کشیدند و در آنجا با ضربات شمشیر بستگان سید محمد قطعه قطعه شد. در ۱۳ آوریل نسخه امضا شده عهدنامه از پاریس رسید و فوری از طرف حکومت شاه قبول و بوسیله اعلیحضرت تصویب شد.

عهدنامه صلح خیلی بموقع برای تأمین منافع ایران امضا شد، تبریز شهر عمده قلمرو پادشاهی در آن اواخر علناً بحالت شورش بود ایالت های جنوبی آشفته و بواسطه حضور قوای انگلیس کارها فلج بود. در خراسان ترکمنها سرگرم چپاول و غارت تمام آن حدود بودند و سکنه را به اسارت میبردند. اندیشه صدراعظم این بود که جریان حقیقی وقایع را از شاه پنهان بدارد و به اعلیحضرت وانمود کند که اتباع بیشمار او

در خوشی و رفاه زندگی میکنند. اما حتی اقتدار مطلق صدراعظم مانع از آن نشد که برای همیشه افراد ناراضی و شریف نتوانند حرف خود را بعرض شاه برسانند چون شایعاتی بگوش او رسید و سرانجام اعلیحضرت تصمیم گرفت وزیر را از صدارت برکنار کند و خود زمام امور کشور را در دست بگیرد .

از اینکه جدوجهد پیوسته شاه از آن پس صرف تأمین رفاه تمام طبقات از اتباع و تعمیم عدالت در سراسر قلمرو وسیع او شد انکارش دور از انصاف است در آینده بر عهده نویسنده دیگری خواهد بود که به علاقه‌مندان انگلیسی داستانهای شرقی بازگوید که نام جدیدی به فهرست اسامی پادشاهان استثنایی مشرق زمین افزوده شده است ولی منظور من این نیست که وقایع ایران را بعد از سقوط صدراعظم اخیر شرح بدهم .

از لحاظ نتیجه، فقط اظهار میدارم هرچند تصویری که در این صفحات از وضع ایران نشان داده‌ام امیدبخش نیست ولی لااقل گفتارم مبتنی بر بیطرفی است. کار بسیار مطلوب این بوده است که راجع به آینده قرین پیروزی تمدن در سراسر آسیای مرکزی قلمفرسایی بشود ولی اگر من میتوانستم چنین آینده ظفرنمونی را به خواننده وعده بدهم مرتکب گناهی در تحقیر حقیقت میشدم که مورخ باید بانهایت مراقبت درحفظ آن کوشا باشد، چنانکه کشتی ایزدی را کاهن قدیم یهود حفظ کرد .

www.KetabFarsi.com

از مترجم این کتاب :

- | | |
|---|-------------------------------|
| اقتصاد ملی در ایران | تألیف، سال ۱۳۱۷ شمسی |
| قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس راجع به ایران | تألیف، سال ۱۳۲۹ شمسی |
| هند یا سرزمین اشراق | تألیف، سال ۱۳۳۵ شمسی |
| سرزمین هزاران جزیره (جمهوری اندونزی) | تألیف، سال ۱۳۴۵ شمسی |
| تاریخ هرودوت (تلخیص) | ترجمه، چاپ دوم، سال ۱۳۴۳ شمسی |
| مازندران و استراباد | ترجمه، چاپ دوم، سال ۱۳۴۴ شمسی |
| تاریخ اروپا از انقلاب فرانسه تا زمان ما، ترجمه، چاپ | سال ۱۳۴۶ شمسی |
| دانشگاه تهران | |
| تاریخ ایران، دوره قاجاریه | ترجمه، چاپ دوم، سال ۱۳۴۸ شمسی |
| ایران و قضیه ایران ۲ جلد | ترجمه، چاپ دوم، سال ۱۳۴۹ شمسی |
| سیرت کوروش کبیر | ترجمه، سال ۱۳۵۰ شمسی |
| لشکرکشی کوروش کوچک | ترجمه، سال ۱۳۵۱ شمسی |

امیر کبیر منتشر کرده است :

شاهراه خوشبختی

پرتراند راسل

ترجمه ع. وحید مازندرانی

راسل در این کتاب به انگیزه‌های خوشبختی و صور و اسباب آن می‌پردازد، به این منظور که دانستنیهای مبتنی بر ذوق سلیم را برجسته می‌کند و تنها در قلمرو تجربه‌هایی می‌گوید که خود در عرصه زندگی هر بار که آنها را به کار برده، احساس آرامش و خوشبختی کرده است.

راسل، اندیشمند آزاده عصر ما در بخش اول کتاب علت بدبختی افراد، بدبختی با بیرونی، رقابت، ملامت و هیجان، خستگی و حسادت، حس گناهکاری، جنون آزاردیدی، ترس از افکار عمومی می‌پردازد، و در بخش دوم پیرامون مسائلی نظیر کار، شوق و نشاط، و امکان تحصیل سعادت بحث و بررسی می‌کند.

شهریاران گمنام

احمد کسروی

شهریاران گمنام تحقیقی است تاریخی در احوال شهریارانی که در قسمتهایی از سرزمین پهناور ایران حکم رانده‌اند و امروز تاریخ بدرستی اوضاع و احوال آنها را بر ما روشن نکرده است. کتاب شامل تاریخ خاندانهایی است که برخی از این خاندانها را نه تنها مورخان ما، بلکه شرقشناسان نیز که در این قبیل موارد خیلی وسواس بخرج می‌دهند، نشناخته‌اند و تاریخشان را که پاک از میان رفته بود "کسروی" محقق نامدار ایرانی دوباره زنده گردانیده است. کتاب که در سه بخش و چندین گفتار تنظیم شده است با تاریخ دیپلماسی آغاز می‌شود و با تاریخ شدادیان آنی پایان می‌گیرد و در پایان فهرست نامها و جایها آمده است که راهنمای کاملی است برای آنان که علاقه‌مند یافتن اطلاعاتی راجع به نامهای بخصوصی هستند.

آخرین روزهای لطفعلی خان زند

سرهارفورد جونز

ترجمه هما ناطق - جان گرنی

وقتی پای اظهار نظر تاریخی از طرف بیگانه‌ای به میان می‌آید، اولین مسأله‌ای که مطرح می‌شود غرض‌ورزی تاریخ نگار بیگانه است و اینکه نمی‌توان صد درصد گفته‌های بیگانگان را پذیرفت. اما در مورد سرهارفورد جونز، مسأله به این طریق قابل بحث نیست. او پیش از اینکه تاریخ نویس باشد سیاستمدار است، در زمان لطفعلی خان به شیراز رفته و از نزدیک با وی آشنا بوده و مکاتباتی نیز داشته است. بعدها (۱۸۵۷ تا ۱۸۱۱) نیز وزیر مختار انگلیس در دربار فتح‌علیشاه بوده.

آخرین روزهای لطفعلی خان زند بازگوینده لحظاتی از تاریخ ماست که به نکات ظریف آن توجه شده است و در این میان باید به صداقت مؤلف توجه فراوان داشت و بیطرفی او را در بازگویی وقایع تاریخی ستود.

سیاحتنامه شاردن

جلد ۱۵

ترجمه محمد عباسی

شوالیه ژان شاردن در دوره‌ای پا به قلمرو ایران گذاشت که صفویان بر دیار ماحکومت می‌کردند، با راه و رسمی مذهبی و بی‌گذار سبک و روالی نو در نقاشی و معماری. شاردن را شاید بنیانگذار ایران‌شناسی در باختر خوانند. او در سفرنامه‌اش به همه جزئیات، آداب و رسوم، شهروندی، شیوه حکومت و سازمانهای دولتی، آموزش و پرورش، جغرافیای اقتصادی و انسانی، مذهب و ادیان، فلسفه و هنر، و باورداشتهای ایرانیان می‌پردازد و با کوشش در گردآوری یک دوره جغرافیای تاریخی ایران، و تدوین اطلس تاریخی جغرافیایی به دستگیری "گرلات" نگارگر مبرز انگلیسی یادمانی بس شایان و پرجای به جای می‌گذارد، و خود را به عنوان جهان‌گردی فیلسوف می‌شناساند و این در جای جای بافت گزارشهایش به همراه نظرهای فلسفی و تاریخی او، به چشم می‌خورد که بعدها در زیرساز و ساخت تفکر تاریخی و فلسفی دیدرو، گیبون و منتسکیو به کار آمد.

تاریخ امریکای لاتین

ویلگوس و دسا

ترجمه جلال رضایی راد

تاریخ امریکای لاتین با رویدادهایی آغاز می شود که با نخستین تلاش ها برای دست یافتن به سرزمینی تازه و یا بعبارتی دیگر منبع ثروتی جدید همراه است. در این کتاب ابتدا با نژاد و تمدن اولیه سرزمین امریکای لاتین آشنا می شویم و بدنبال آن پس از ذکر وقایعی متعدد، به دورانی می رسیم که فریادها از هر سو برای بدست آوردن آزادی و استقلال از حلقوم ها برمیخیزد و تن غالبان را می لرزاند.

تاریخ امریکای لاتین اگرچه از روی چاپ پنجم متن اصلی به فارسی برگردانده شده ولی بخاطر دربرداشتن دگرگونی های جدید و تحولات سیاسی اخیر این قاره بخشی تحقیقی از روی "آلماناک" سال ۱۹۶۸ بدان افزوده گشته است. موضوعات مورد بحث در این کتاب به اندازه ای جامع است که می توان از آن بعنوان یک کتاب درسی در دوره های دانشگاهی استفاده نمود. در پاره ای موارد نقشه ها و طرح های جغرافیایی با تأثیرات عینی خود درک بهتر وضعیت ها را برای خواننده تسهیل می نمایند.

تاریخ نظریات سیاسی

تألیف جرج ساباین

ترجمه دکتر بهاء الدین بازارگاد

سیاست از کی و از کجا آغاز شده؟ کاربردش در کشوری کهن که آنرا بکار گرفته اند چه بوده است و نظریات سیاسی صاحب نظران و دست اندرکاران سیاست و یا بعبارت بهتر سیاست پیشگامان، از چه روزگاری و نزد چه ملتی شکل گرفته است؟

آنچه در کتاب تاریخ نظریات سیاسی می خوانید پاسخ هایی است به این سؤال که از فیلسوفانی چون افلاطون مدت ها قبل از وجود آنها بحث کرده است. کتاب با فرضیه دولت شهر که شامل جزئیاتی مشروح است آغاز گردیده و به فرضیه جامعه جهانی که آن نیز تا زمان فرضیه مصالحه در حکومت کلیسا طول می کشد، پایان می پذیرد.

تاریخ جهان نو

رابرت روزول پالمر

ترجمه ابوالقاسم طاهری

رورول پالمر، استاد تاریخ دانشگاه پرینستون آمریکا و کارشناس تاریخ فرانسه و انقلاب کبیر، با تألیف این اثر، یکی از پر ارزشترین کتابهای "فلسفه تاریخ" را نوشته است. نویسنده که خود زمانی شاگرد کارل بکر - (بزرگترین تاریخ نگار انگلیسی معاصر) بوده است، روش "تبیینی" را در تحلیل و بازآفرینی وقایع تاریخی، به تأثیر از استاد خود به کار گرفته و به خوبی در بخش مربوط به انقلاب کبیر فرانسه نمایانده است. حیطه کار پالمر در این اثر، به نمودن و نگارش یک سری رویدادهای تاریخی و شماره سالهای آنها، محدود نشده، او با عمق و اصالت پژوهشی علمی و سیستماتیک، به تبیین و تحلیل تاریخ می پردازد که می تواند رهنمونی باشد از برشهای طولی رویدادهای نظامی و سیاسی دوران حاضر، و هم شناساننده ای درست بین، از پدیدارهای جهان معاصر. پالمر، با همه سونگری و موشکافی بسیار، تاریخ خود را از دوره های باستانی پیش از پیدایش تمدن یونان می آغازد و با کندو کاو عناصر برجسته ادوار تاریخی به حجم بررسیها و بازبینیهای خود، در تشریح مسائل جهان نو می افزاید انسان که بیشترین گفتارهای کتاب، پرداختن است در فضای تاریخی عصر نو.

تاریخ روابط خارجی ایران

عبدالرضا هوشنگ مهدوی

دیپلماسی خارجی ایران که با پیدایش حکومت صفوی سیمایی دگرگون یافت، به هیچ روی نشانه تکاپوی هشیارانه سیاسی صفویان در سطح جهانی نیست. چرا که این دوره همزمان است با تکوین آزمندیهای استعمار خواهانه باختریان بویژه پرتغالیها، اسپانیاییها و هلندیها. پرتغالیها پس از گذر از دماغه امید نیک و گشایش برخی از سواحل باختری هند، به خلیج فارس روی آور شدند و بنادر جنوبی ما را یکی پس از دیگری فراچنگ آوردند. از این زمان است که حکومتهای ایرانی خواه ناخواه با دولتهای امپریالیستی غرب رو در روی شوند و در پهنه سیاست خارجی، با فرستادن نماینده سیاسی و اندکی بعد سفیر، چهره‌ای جهانی می‌یابند. فرایند تحقیق در روابط خارجی ایران، تاریخ چهارصد و پنجاه ساله آنرا مشخص می‌کند و این کتاب ناظر به همین نصای تاریخی است که در نه فصل، ماجراهای زمان حکومت صفویان و جنگهای خونین با دولت عثمانی را تا وقایع دوره پهلوی، فرا می‌گیرد.

تاریخ هجده ساله آذربایجان

احمد کسروی

تاریخ هجده ساله آذربایجان در حقیقت جلد دوم تاریخ مشروطه ایران است. جلد اول با تسلیم شدن محمد علی میرزا در مقابل مشروطه و مشروطه خواهان پایان می‌پذیرد و در کتاب تاریخ هجده ساله آذربایجان راه سالکان انقلاب آزادی بخش ایران نموده می‌شود و کار آنان که در آذربایجان گرامی، مرگ را برای پیروزی آرمانهای خود پذیرفتند و دامنه خواست پاک آنان به همه سرزمین ایران کشیده شد، بازگو می‌گردد. مؤلف در مقدمه کتاب می‌نویسد: "در بخش پیشین این تاریخ داستان توپ بستن محمد علی میرزا را به مجلس شوری در تیرماه ۱۲۸۷ یاد نمودیم و سپس چون تنها شهر تبریز بود که در برابر شاه قاجار ایستادگی نشان می‌داد داستان جنگهای پازده ماهه آن شهر را آغاز نموده برای آنکه رشته سخن از هم نگسلد به شهرهای دیگر پرداخته پیشرفت آن جنگها را تا ماه اردیبهشت ۱۲۸۸ دنبال نمودیم."

تاریخ مشروطه ایران

احمد کسروی

در باره مشروطیت ایران تا کنون کتابهای زیادی نگاشته شده که بی شک باز هم کتاب حاضر در میان کتابهای مشابه از ارزش و اعتبار بیشتری برخوردار است.

در تاریخ مشروطه ایران، کسروی که به اعتقاد همگان "مردی دانشمند، زبان شناس، تاریخ نویس، مطلع و امین" بود، از تمام جریانات بزرگترین واقعه سیاسی ایران پرده برمی گیرد و با روشن نگری به داوری پیرامون انقلاب سازنده و رهاننده ایران که نامداران و ناموران بسیاری را به تاریخ ایران هدیه کرد، می پردازد.

در مقدمه‌ای که شادروان کسروی بر تاریخ مشروطه نوشته، به این نکته اشاره کرده است که: جنبش مشروطه خواهی با پاکدلیها آغازید ولی با ناپاکدلیها به پایان رسید، و دستهایی از درون و بیرون، به میان آمد، آن را به هم زد و نا انجام گذاشت و کار به آشفتگی کشور و ناتوانی دولت و از هم گسیختن رشته‌ها انجامید و مردم ندانستند آن چگونه آمد و چگونه رفت و انگیزه نا انجام ماندنش چه بود.

مؤلف از سالهای استبداد - سالهایی که چنین جنبشی را ضروری ساخت - می‌آفازد و به همه زوایای تاریخ انقلاب سترگ نامداران تاریخ معاصر ایران نظر می‌اندازد.

تاریخ عالم آرای عباسی

جلد ۲

اسکندر بیک ترکمان

به کوشش ایرج افشار

اسکندر بیک، مشهور به منشی، از فئودالها و درباریان بزرگ دوره صفوی و دبیر و منشی شاه عباس بود. او نگارش تاریخ عالم آرای عباسی را به مناسبت پایان سی امین سال سلطنت شاه عباس آغاز کرد و در سه جلد آن را به پایان رسانید. مؤلف در این اثر بی جوی جنگها و پیروزیها و ایران داری شاه عباس و نمودن پیشینه نسبی دودمان صفویان بوده است و چون همزمان با بسیاری از روی نمودهای تاریخی دوران خود بوده، توانسته است در تشریح و بازآفرینی دوران برهیا هوی این زمان، هیجانها و تب و تابها را همانند خونی پرتحرک، جانمایه بافت گزاره تاریخی خود کند. اسکندر بیک، کتاب را به سه جلد (صحیفه) نامساوی بخش کرده است. صحیفه اول، نمودار نسب خاندان صفوی و بیان چگونگی به قدرت رسیدن سلاطین پیش از شاه عباس است. در این صحیفه دوازده مقاله آمده که در چاپ سنگی پیشین تنها یک مقاله از مقالهای دوازده گانه آن چاپ شده است. صحیفه دوم، در بر گیرنده رویدادهای سی سال اول حکومت شاه عباس می باشد، و صحیفه سوم که با مرگ شاه عباس پایان می یابد، بر مبنای پدیدارهای رزمی و سیاسی نیمه اول قرن یازدهم هجری نوشته شده است.

فهرست سالانه انتشارات خود را منتشر کرده ایم.

دوستاناران کتاب می توانند به نشانی "خیابان سعدی شمالی - بن بست فرهاد - شماره ۲۳۵ - دایره روابط عمومی مؤسسه انتشارات امیرکبیر" برای ما نامه بنویسید تا فهرست را - به رایگان - برای آنان بفرستیم.

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

این کتاب به سرمانه مؤسسه انتشارات امیر کبیر به چاپ رسیده است.

